
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰۹

آیه ۱۵۹-۱۶۰

آیه و ترجمه

و من قوم موسی اءمة یهدون بالحق و به یعدلون ۱۵۹
و قطعنهم اثنتی عشرة اءسباطا ءمما و اءوحینا الی موسی اذ استسقئه قومه ءن
اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا قد علم کل ءناس مشربهم
و ظللنا علیهم الغمم و اءزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیبیت ما رزقنکم
و ما ظلمونا و لکن کانوا ءنفسهم یظلمون ۱۶۰

ترجمه :

۱۵۹ - و از قوم موسی گروهی به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتند.

۱۶۰ - و آنها را به دوازده گروه که هر یک شاخهای (از دودمان اسرائیل) بودند تقسیم کردیم و هنگامی که موسی تقاضای آب (برای قوم تشنه کامش در بیابان) کرد به او وحی فرستادیم که عصای خود را بر سنگ بزن ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون ریخت آنچنان که هر گروه چشمه خود را می شناختند و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم و بر آنها من و سلوی فرستادیم (و به از آنان گفتیم) از روزیهای پاکیزه که به شما داده ایم بخورید (و سپاس خدا را بجا آورید ولی آنها نافرمانی و ستم کردند) اما به ما ستم نکردند لکن به خودشان ستم نمودند.

تفسیر

گوشهای از نعمتهای خدا به بنی اسرائیل

در آیات فوق باز سخن پیرامون بنی اسرائیل و سرنوشت و رویدادهای تاریخ آنها است.

در آیه نخست اشاره به واقعیتی می کند که شبیه آن را در قرآن دیده ایم

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۱۰

واقعیتی که حکایت از روح حق طلبی قرآن دارد، و آن احترام به

موقعیت اقلیتهای صالح است یعنی: چنان نبود که بنی اسرائیل یکپارچه فاسد و مفسد باشند و این نژاد عموماً مردمی گمراه و سرکش معرفی شوند بلکه در برابر اکثریت مفسده جو، اقلیتی وجود داشتند صالح و ناهماهنگ با کارهای اکثریت، قرآن برای این اقلیت صالح اهمیت خاصی قائل شده است و می گوید: از قوم موسی (علیه السلام) گروهی هستند که دعوت به سوی حق می کنند و حاکم به حق و عدالتند (و من قوم موسی امة یهدون بالحق و به یعدلون). این آیه ممکن است اشاره به گروه کوچکی باشد که تسلیم در برابر سامری و دعوت او نشدند و همه جا حامی و طرفدار مکتب موسی (علیه السلام) بودند و یا گروههای صالح دیگری که بعد از موسی (علیه السلام) بروی کار آمدند. ولی این معنی با ظاهر آیه چندان سازگار نیست، زیرا «یهدون» و «یعدلون» فعل مضارع است و حداقل حکایت از زمان حال یعنی عصر نزول قرآن می کند و وجود چنین گروهی را در آن زمان اثبات می نماید، مگر اینکه کلمه «کان» در تقدیر بگیریم، تا آیه اشاره به زمان گذشته بوده باشد و می دانیم تقدیر گرفتن بدون وجود قرینه خلاف ظاهر است. و نیز می تواند ناظر به اقلیتی از یهود که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می زیستند بوده باشد همانها که تدریجاً و پس از مطالعه کافی روی دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سرانجام اسلام را پذیرفتند و در جمع مسلمانان راستین و حامیان مخلص در آمدند، این تفسیر با ظاهر آیه و فعل مضارع که در آن به کار رفته است هماهنگتر است. و اینکه در پاره‌های از روایات شیعه و اهل سنت وارد شده که این آیه اشاره به گروه کوچکی است از بنی اسرائیل که در ماوراء چین زندگی دارند، زندگی عادلانه و تواءم با تقوا و خدانشناسی و خداپرستی، علاوه بر اینکه با آنچه از وضع جهان آگاهیم سازگار نیست و تواریخ موجود این موضوع را تایید نمی کند،

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۱۱

احادیث مزبور از حیث سند معتبر نمی باشد، و نمی توان به عنوان یک حدیث صحیح طبق قواعد علم رجال روی آنها تکیه کرد. در آیه بعد اشاره به چند قسمت از نعمتهای خدا بر بنی اسرائیل می کند. نخست می گوید: «ما آنها را به دوازده گروه تقسیم کردیم» (تا نظم عادلانه و دور از برخوردهای خشونت آمیز در میانشان حکومت کند) (و قطعناهم اثنتی

عشرة اسباطا امما).

روشن است هنگامی که یک ملت دارای تقسیم‌بندیهای صحیح و منظم بوده باشد، و هر بخش و یا هر گروه تحت رهبری رهبر لایقی قرار گیرد، اداره آنها آسانتر و رعایت عدالت در میانشان سهلتر خواهد بود، و به همین دلیل تمام کشورهای جهان می‌کوشند از این اصل پیروی کنند.

کلمه «اسباط» جمع «سبط» بر وزن ثبت و همچنین بر وزن سفت) در اصل به معنی توسعه و گسترش چیزی به آسانی و راحتی است، سپس به فرزندان - مخصوصا نوه‌ها- و شاخه‌های یک فامیل، سبط و اسباط گفته شده است.

در اینجا منظور از اسباط همان تیره‌های بنی اسرائیل است که هر کدام از یکی از فرزندان یعقوب (علیه السلام) منشعب شده بودند.

نعمت دیگر اینکه هنگامی که بنی اسرائیل در بیابان سوزان، به سوی بیت المقدس در حرکت بودند و گرفتار عطش سوزان و تشنگی خطرناکی شدند، و از موسی (علیه السلام) تقاضای آب کردند، «به او وحی فرستادیم که عصایت را بر سنگ بزن و او چنین کرد، ناگهان دوازده چشمه از سنگ جوشید» (و اوحینا الی موسی اذا ستسقاء قومه ان اضرب بعصاک الحجر فانبعثت منه اثنتی عشرة عینا).

و آنچنان این چشمه‌ها در میان آنها تقسیم شد که هر کدام به خوبی چشمه خود را می‌شناختند (قد علم کل اناس مشربهم).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۱۲

از این جمله استفاده می‌شود که این دوازده چشمه که از آن صخره عظیم جوشید نشانه‌ها و تفاوت‌هایی داشته است، آنچنان که هر کدام از اسباط بنی اسرائیل چشمه خود را می‌شناختند و این خود سبب می‌شد که اختلافی در میان آنها بروز نکند و نظم و انضباط حکمفرما گردد و آسانتر سیراب شوند.

نعمت دیگر اینکه در آن بیابان سوزان که پناهگاهی وجود نداشت، ابر رابر سر آنها سایه افکن ساختیم (و ظللنا علیهم الغمام).

بالاخره چهارمین نعمت این بود که من و سلوی را به عنوان دو غذای لذیذ و نیرو بخش بر آنها فرستادیم (و انزلنا علیهم المن و السلوی).

درباره «من» و «سلوی» این دو غذای مطبوع و مفید که خداوند به بنی اسرائیل در آن بیابان ارزانی داشت، مفسران تفسیرهای گوناگونی دارند که ما در جلد اول همین تفسیر ذیل آیه ۵۷ سوره بقره بیان کردیم و گفتیم بعید نیست که «من» یکنوع عسل طبیعی بوده که در دل کوههای مجاور وجود داشته و یا شیرهای مخصوص نباتی بوده که در درختانی که در گوشه و کنار آن بیابان می‌روئیده ظاهر می‌شده است، و «سلوی» یکنوع پرنده حلال گوشت شبیه به - کبوتر بوده است.

و به آنها گفتیم از غذاهای پاکیزه‌ای که در اختیار شما گذارده‌ایم بخورید (و فرمان خدا را به کار بندید) (کلوا من طیبات من رزقناکم).

اما آنها خوردند و کفران و ناسپاسی کردند، آنها «به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم روا داشتند (و ما ظلمونا و لکن کانوا انفسهم یظلمون) باید توجه داشت که مضمون این آیه با تفاوت مختصری، در سوره بقره آیات ۵۷ و ۶۰ آمده است منتهی در آنجا به جای «انبجست»، «انفجرت» آمده است، و به عقیده جمعی از مفسران تفاوت این دو عبارت در این است که

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۱۳

که «انفجرت» به معنی «بیرون ریختن آب با فشار و کثرت» است، ولی «انبجست» به معنی «بیرون ریختن آب بطور مختصر و کم» است، و این تفاوت شاید اشاره به آن است که چشمه‌های آب‌ناگهانی از آن صخره عظیم بیرون نریخت تا مایه وحشت گردد، و توانائی کنترل آن را نداشته باشند بلکه نخست به آرامی بیرون ریخت و سپس گسترش پیدا کرد و به حد وفور رسید.

بعضی دیگر از مفسران معتقدند که این دو کلمه هر دو به یک مفهوم است.